

آشنایی با زیدیه

<?xml encoding="UTF-8?>

اشاره

اندیشه ها و تاریخ زیدیه را چون سایر فرق و مذاهب می توان از دریچه های مختلف مطالعه کرد . اگر به زیدیه به عنوان قدرتی سیاسی بنگریم، باید به تاریخ دولت های زیدی مذهب ادریسیان مغرب و داعیان و امامان دیلم و طبرستان و سلسله امامان زیدی در یمن پردازیم . اگر با نگاهی کلامی و اعتقادی بنگریم، باید صرفاً سیر تحول و عقاید زیدیه را بررسی کنیم . روش مؤلف در این بخش، حرکت بین این دو نگاه است . وی با عنایت به میزان دوری و نزدیکی زیدیه به دو شاخه اصلی اسلام یعنی تشیع و تسنن، بیش از آن که به آن به عنوان یک حرکت و قدرت سیاسی نظر داشته باشد، به عنوان یک فرقه و مذهب که البته اندیشه های سیاسی کاملاً بر آن سایه افکنده است، بدان توجه کرده است .

امام زید بن علی بن الحسین (ع) و تاسیس مذهب زیدیه

زیدیه به شاخه ای از مذهب تشیع گفته می شود که به امامت زید بن علی بن الحسین (ع) معتقدند و خود را پیرو او می دانند . (1) شیخ مفید در تعریف زیدیه آورده است: «زیدیه به امامت علی، حسن، حسین و زید بن علی قائل هستند و نیز به امامت هر فاطمی ای که به خود دعوت کند و در ظاهر، عادل و اهل علم و شجاعت باشد و با او بر شمشیر کشیدن برای جهاد بیعت شود» . (2)

در مقدمه البحر الزخار نیز در تعریف زیدیه آمده: «زیدیه به فرقه ای گفته می شود که به پیروی از زید بن علی (ع)، علی بن ابی طالب (ع) را در امامت بر دیگران مقدم و امامت را پس از او برای حسن (ع) و حسین (ع) و سپس منحصر در فرزندان آن دو بدانند که با دعوت و فضل به امامت می رسند، نه با وراثت . و خروج نیز بر ایشان واجب است . همچنین توحید، عدل، وعد و وعید، امامت و امر به معروف و نهی از منکر از دیگر اعتقادات زیدیه است » . (3)

امام زید در سال هفتادوپنج هجری قمری در مدینه به دنیا آمد (4) و پس از پدرش، امام زین العابدین (ع)، شاگرد برادر بزرگ تر خود امام محمد باقر (ع) بود . (5) وی در زمان حکومت هشام بن عبدالملک بن مروان در کوفه دست به قیام و شورش زد و در ذی الحجه سال 122 ه ق به شهادت رسید . (6)

درباره شخص امام زید و تاریخ زندگی، تعالیم و قیام او بر ضد خلافت اموی تحقیقات بسیاری انجام شده است . (7) به همین دلیل، در این نوشتار از بررسی شخصیت، تعالیم، زندگی و شهادت امام زید چشم پوشی خواهیم کرد و تنها به چند نکته که هنوز قابل تحقیق و توجه بیشتر است، اشاره می کنیم؛ از آن جمله این که زیدیه تنها در دوره های پس از شهادت امام زید و در ابتدا، در کوفه و عراق و سپس در ایران و یمن شکل مذهب به خود گرفت . (8) امام زید بیش از هر چیز آغازگر حرکتی پرشور بر ضد دستگاه ظالم خلافت اموی در عصر خود بود و در

این راه از تاکتیک ها و روش هایی نیز سود می برد که در بسیاری از موارد رنگ دینی و مذهبی به خود می گرفت .
(9)

نکته دیگری که مورد توجه برخی از محققان واقع شده، دامنه دعوت امام زید است و این که اصولاً آیا امام زید، آن گونه که در منابع رسمی زیدیه آمده است، مردم را به اطاعت از خود به عنوان امام دعوت کرده، یا این که مطابق برخی از اسناد، دعوت او به «الرضا من آل محمد» بوده است، که می تواند به معنای دعوت به امامان مورد قبول امامیه باشد؟ (10)

در ادامه، نیز مذهب زیدیه که شاخه ای از تشیع به حساب می آید و در اصول اعتقادی با امامیه مشترک است، بیشتر به جهت نظریه خاص در مسئله امامت از شاخه دیگر تشیع یعنی اثنا عشریه (امامیه) متمایز می شود، (11) و گرنه این دو به همدیگر نزدیک اند؛ (12) چه، علاوه بر اشتراک در اصل مسئله امامت، در سایر اصول اعتقادی تا حد زیادی به امامیه و هر دوی آنها به معتزله نزدیک اند، (13) تا آن جا که برخی زیدیه را با معتزله یکی دانسته (14) و برخی دیگر معتزله را از جمله فرق زیدیه شمرده اند . (15) در فقه نیز با وجود این که گفته می شود امام زید فقهی مستقل داشته است و زیدیه نیز ادعای چنین استقلالی را دارند، (16) ولی به نظر می رسد شخص امام زید فقه خاصی بنا نکرد و اصولاً دغدغه او چیز دیگری بوده است . از طرفی دیگر، اصل مرجعیت اهل بیت و لزوم تمسک به کتاب و عترت اصلی پذیرفته شده در زیدیه است، هرچند در ادامه، عملاً فقه زیدیه تا حد زیادی نزدیک به حنفیه شناخته شده، (17) که البته در پاره ای از مسائل با امامیه و گاهی نیز با شافعیه متفق است . (18) برخی در این خصوص تا آن جا پیش رفته اند که گفته اند زیدیه در عقاید، معتزلی و در فقه، حنفی هستند . (19) البته در ادامه، نادرستی کلیت چنین ادعایی با توجه به مذهب و گرایش غالب زیدیه که به وسیله امام قاسم و امام هادی رواج یافت، روشن خواهد شد و نزدیکی زیدیه به امامیه در بسیاری از عقاید و مسائل فقهی مورد اذعان قرار خواهد گرفت .

با وجود این، شاید بتوان از سه اصل به عنوان مهم ترین اصول و ویژگی های مذهب زیدیه و آنچه شخص امام زید نیز بدان معتقد بوده است نام برد:

1 . افضلیت امام علی و اولویت آن حضرت بر سایر صحابه نسبت به خلافت و جانشینی پیامبر (20) و در عین حال تجویز امامت مفضول . (21)

2 . حصر امامت در فرزندان فاطمه (س .) (22) البته به نظر می رسد در صورت صحت انتساب این عقیده به شخص امام زید، بین این نظر و قبول امامت شیخین تناقضی است که صحت انتساب اعتقاد و رضایت امام زید به خلافت شیخین را زیر سؤال می برد، مگر این که، همان گونه که در دوره های بعد، معتقدان به خلافت شیخین از زیدیه گفته اند، خلافت شیخین یک استثنا محسوب شود، (23) ضمن آن که برای تایید اعتقاد امام زید به حصر امامت در بطنین براساس منابع معتبرتر، مجال تحقیق بیشتری باقی است . (24)

3 . شرط دعوت علنی به خود و خروج برای جنگ با ظالمان در صحت تصدی و مشروعیت امامت . (25)

استمرار قیام و مبارزه

پس از شهادت امام زید در سال 122، فرزندش امام یحیی در سال 125 در خراسان قیام کرد و در همان سال به شهادت رسید . (26) این قیام همزمان بود با آغاز فعالیت ابومسلم و دیگر مخالفان خلافت اموی که سرانجام به پیروزی عباسیان بر امویان در سال 132 انجامید . (27)

پس از شهادت زید و یحیی، دعوت زیدیه همراه با دیگر جریان های معارض امویان به سوی بنی عباس گرایش یافت؛ ولی طولی نکشید که بنی عباس، که پیش از این با شعارهای فریبنده در حمایت از حقوق علویان سعی در جلب افکار عمومی داشتند، با علویان درگیر شدند و به مقتضای منافع خود به دشمنی و عناد با خاندان پیامبر پرداختند. امام محمد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن (ع) ملقب به «نفس زکیه» در سال 145 و در زمان خلافت منصور (136-158) در مدینه قیام کرد. این اولین قیام و دعوت یکی از فرزندان امام حسن (ع) در چارچوب تعالیم امام زید بود که در عصر عباسیان اتفاق افتاد. آغاز امامت محمد بن عبدالله به سال 127 بازمی گردد. (28) در آن هنگام، امامت و خلافت او مورد قبول معتزله نیز قرار گرفت و پیوند معتزله و زیدیه بیش از گذشته مستحکم شد. (29) محمد نفس زکیه پس از یک دوره سکوت و تقیه و پس از آن که منصور فشار را به نحو بی سابقه ای بر علویان افزایش داد، (30) امامت و دعوت خود را در مدینه و حجاز آشکار کرد. دعوت و قیام محمد از گستردگی و پایگاه مطلوبی برخوردار بود، به طوری که معتزله و حتی امام مالک، از ائمه بنام مذاهب سنی، نیز به امام محمد پیوستند و از کمک به او دریغ نکردند. (31)

دعوت و قیام نفس زکیه همچنین با فعالیت داعیان متعدد علوی و معتزلی در اقصا نقاط جهان اسلام برای جلب همکاری همراه بود. در این میان، برادران و فرزندان امام محمد نقشی اساسی داشتند که در راس همه ابراهیم برادر او بود که به منطقه بصره رفت و حمایت اهواز و فارس را نیز به دست آورد و در نهایت پس از نفس زکیه به شهادت رسید. همچنین موسی بن عبدالله به الجزیره، یحیی بن عبدالله به ری و طبرستان، و بالاخره عیسی بن عبدالله و ادريس بن عبدالله به مغرب رفتند؛ (32) ولی در نهایت قیام محمد بن عبدالله در همان سال شکست خورد و به اتفاق جمعی از یارانش به شهادت رسید. (33)

امام محمد بن عبدالله همزمان با گسترش دعوت خود دو مفهوم و عقیده اساسی «تقیه» و «مهدویت» را به درون اندیشه زیدیه آورد (34) و از این جهت نیز نقش او در سیر تحول مذهب زیدیه قابل توجه است. پس از شهادت محمد بن عبدالله، برادرش امام ابراهیم بن عبدالله نیز که با امام محمد همکاری داشت و پس از او در عراق قیام کرده بود، ناکام ماند و در همان سال شهادت برادرش (145) به شهادت رسید. (35)

پس از سرکوب شدید قیام امام محمد نفس زکیه و برادرش امام ابراهیم، در ادامه حکومت منصور و در زمان خلافت مهدی عباسی (158-169) سیاست سرکوب علویان همچنان ادامه یافت. (36)

امام حسین بن علی بن الحسن بن الحسن (ع) «شهید فخر» امام بعدی زیدیه بود که در سال 169 و در زمان خلافت هادی عباسی (169-170) در مدینه قیام کرد و به شهادت رسید. (37) پس از شهادت حسین فخری، دعوت زیدیه تا حدودی شکل سری به خود گرفت و ثقل آن از مرکز جهان اسلام (عراق و حجاز) به دو سوی آن (دیلم و مغرب) منتقل شد.

امام یحیی بن عبدالله بن الحسن که برادر و یار امام محمد بن عبدالله در قیام او بود و در قیام حسین فخری نیز نقش عمده ای داشت، (38) پس از شکست قیام حسین در سال 170 به حجاز و یمن رفت (39) و سپس به خراسان و از آن جا به ماوراءالنهر مهاجرت کرد و سرانجام به دیلم و طبرستان رفت (40) و پس از چندی با دعوت به امامت خود در صدد تاسیس دولتی زیدی در آن سامان برآمد. ولی هارون الرشید در سال 176 حرکت او را سرکوب کرد و امام یحیی زندانی شد و در نهایت در زندان هارون به شهادت رسید. (41)

ادريس بن عبدالله برادر دیگر محمد بن عبدالله نیز پس از همکاری با حسین فخری و شکست قیام، به «مغرب دور» گریخت و در سال 172 پس از دعوت و بیعت قبایل آن منطقه، دولت خود را تاسیس کرد. (42) در مورد

دعوت ادریس آورده اند که او در یک مرحله داعی برادرش امام محمد نفس زکیه (43) و در مرحله بعد داعی امام حسین فخی و در مرحله سوم داعی برادر دیگرش امام یحیی بود، و در نهایت وقتی خبر سرانجام کار یحیی به او رسید، دعوت به خود کرد و برای تاسیس دولت به «طنجه» رفت (44) و پایه گذار اولین دولت زیدیه شد. (45) در خصوص زندگی ادریس بن عبدالله اطلاعات روشنی در اختیار نیست، ولی مسلم است که او پس از چند سال حکومت و احتمالا در سال 177 (46) با دسیسه هارون الرشید مسموم شد و به شهادت رسید. (47) پس از وفات ادریس بن عبدالله، فرزندش ادریس بن ادریس (متولد 175) (48) جانشین او شد. (49) پس از وفات او در سال 214، (50) محمد بن ادریس بن ادریس دولت ادریسیان را استمرار بخشید. (51) از آن پس دیگر نوادگان ادریس یکی پس از دیگری در مغرب حکومت کردند؛ ولی دولت آنان حداکثر تا سال 375 دوام آورده است. (52) سال ها پس از انقراض دولت ادریسیان در مغرب، آنان در اندلس با امویان حاکم درگیر شدند (53) و در سال 407، یکی از نوادگان ادریس به نام علی بن حمود با کنار زدن امویان بر اندلس سلطه یافت (54) و ادریسیان از آن پس و تا سال 447 با فراز و نشیب هایی بر اندلس حکومت کردند. (55)

دولت ادریسیان در مغرب و اندلس اگرچه حداقل در ابتدا دولتی شیعی و زیدی مذهب بود، ولی بروز تشیع و تظاهر به مذهب زیدیه در آن پر رنگ نیست. حتی در احوال ادریس اول آورده اند که او تشیع خود را اظهار نمی کرد و حداقل در سال های نخست، از خود به عنوان امام یاد نمی کرد. (56) به نظر می رسد که هدف ادریس نیز بیشتر قیام و انقلاب بوده است تا ادعای امامت و حرکتی فکری عقیدتی. (57)

امام ابو عبدالله (58) محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن الحسن (ع) معروف به «ابن طباطبا» ششمین امام زیدیه پس از زید بن علی است (59) که در سال 199 در جنبشی که فرماندهی آن را ابوالسرایا السری در زمان خلافت مامون (196-218) برعهده گرفته بود، در کوفه دعوت به خویش کرد و بیعت گرفت (60) و برای مدتی بر کوفه مسلط شد. (61) پس از وفات ابن طباطبا جوانی دیگر از علویان به جای او نشست (62) و از آن پس با کمک برخی علویان که به عنوان والی به مناطق مختلف اعزام شده بودند، تا سال 200 پی آمدهای این ماجرا ادامه یافت، و از آن جمله تسلط و حکمرانی ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) بر یمن قابل توجه است. (63) همچنین در سال 207 عبدالرحمان بن احمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب (ع) در منطقه عک یمن خروج کرد و با دعوت به «الرضا من آل محمد (ص)» برای خود بیعت گرفت. (64)

نخستین انشعاب در زیدیه

در همان آغاز شکل گیری زیدیه و در حالی که مبارزات و حرکت سیاسی علویان زیدی ادامه داشت، در کوفه سه گرایش عقیدتی و فکری عمده در میان پیروان و معتقدان به امامت زید شکل پیدا کرده بود: جارودیه، صالحیه و سلیمانیه. (65)

الف) جارودیه (یا سرحوبیه)

این گرایش به ابی جارود زیاد بن منذر عبیدی (متوفای 150 ق) منسوب است. وی از اصحاب امام باقر (ع) و سپس امام صادق (ع) بود، ولی بعدها ایشان را ترک کرد و به اردوی امام زید پیوست. (66) اصول و ویژگی های عقاید جارودیه عبارت است از: 1. نص خفی بر امامت علی (ع) (67) و نص جلی بر امامت حسن (ع) و حسین (ع) (68) و در نتیجه حکم به کفر و ضلالت امت پس از پیامبر (ص) به جهت مخالفت با نص و تن دادن به

خلافت شیخین؛ (69) 2. حصر امامت در فرزندان فاطمه (س) اعم از فرزندان امام حسن (ع) یا امام حسین (ع)؛ (70) 3. اعتقاد به اصل مهدویت. (71)

این شاخه از زیدیه با مطرح کردن نص بر خلافت علی و حسنین (ع) و دور شدن از اعتقاد منسوب به امام زید در قبول و رضایت به خلافت شیخین و همچنین رو آوردن به اصل مهدویت که از اصول مورد قبول امامیه است، بیش از دیگر شاخه ها به امامیه نزدیک شدند، به طوری که از ویژگی های جارودیه، توجه همزمان به نظریه خروج و عقیده به مهدی منتظر است. (72) جارودیه از طرفی دیگر دارای عقایدی افراطی بوده و به غلو شناخته شده اند. افراط آنان مشخصاً در دو نظریه جلوه گر است: یکی قدح شدید و تکفیر شیخین؛ (73) و دیگری تکفیر و مشرک دانستن کسانی از اهل بیت که مدعی امامت باشند، ولی خانه نشین بوده و قیام نکنند، (74) و همچنین تکفیر پیروان چنین افرادی. (75) (مصدق مورد نظرشان امام جعفر صادق (ع) و پیروان مکتب ایشان بود). آنان همچنین مانند خوارج، مرتکب کبائر را محکوم به کفر می دانستند. (76)

ب) سلیمانیه (یا جریریه)

این فرقه به سلیمان بن جریر الرقی منسوب است. او نیز در آغاز از اصحاب امام صادق (ع) بود که از آن حضرت جدا شد و به پیروان امام زید پیوست. (77) عدم حصر امامت در اولاد فاطمه (س) و اعتقاد به شورایی بودن آن از همان ابتدا و در نتیجه دادن مشروعیت ذاتی به خلافت شیخین از جمله مهم ترین اعتقادات این فرقه است. (78) هرچند آنان نیز به خطای امت در عدم انتخاب افضل یعنی علی (ع) معتقد بودند، (79) ولی آن را خطایی از روی اجتهاد می دانستند که موجب فسق نمی شود؛ (80) و درباره عثمان (81) و همه محاربان با علی (ع) چون عایشه، طلحه و زبیر همانند جارودیه حکم به کفر می کردند. (82) اهل سنت نیز متقابلاً آنان را تکفیر کردند. (83) سلیمانیه همچنین بر شیعیان امامی در اعتقاد به «بدا» و «تقیه» خرده می گرفتند. (84)

ج) صالحیه (یا بتریه)

این گرایش به حسن بن صالح بن حی همدانی (100-168) منسوب است. از اصول مطرح در این فرقه جواز امامت مفضول با وجود افضل است، (85) با این توضیح که علی و اولاد او از دیگران افضلند، ولی در خصوص حضرت علی (ع) معتقدند که آن حضرت به خواست خود کنار رفت. (86) بنابراین، امامت علی (ع) تنها پس از بیعت مردم محقق شده (87) و امامت شیخین نیز بلاشکال است. (88) آنان درباره حکم عثمان توقف کردند. (89) همچنین آنان امامت هر یک از اولاد علی را که خروج کند می پذیرفتند، چه از فرزندان فاطمه باشد، یا نباشد. (90) همان گونه که آشکار است، این فرقه از همه فرق خواه زیدیه به اهل سنت نزدیک تر است. (91)

به طور خلاصه می توان گفت که جارودیه به دلیل اعتقاد به وجود نص بر امامت و رد خلافت شیخین و قبول اصل مهدویت از فرق دیگر به شیعیان امامیه نزدیک تر بودند و تأثیر بیشتری از آنان پذیرفتند، در حالی که دو فرقه دیگر (صالحیه و سلیمانیه) از حنفیه و معتزله تأثیر بیشتری پذیرفتند و به اهل سنت نزدیک تر بودند. (92)

این تمایز در حدی بود که صالحیه و سلیمانیه، جارودیه را به دلیل تکفیر شیخین تکفیر کردند و جارودیه نیز متقابلاً آنان را به دلیل ترک تکفیر شیخین محکوم به کفر دانستند. (93)

حکومت امامان زیدیه و جریان نزدیک به امامیه

در قرن سوم، به تدریج مذهب زیدیه به انسجام و شکل نهایی خود رسید، و این مهم با به دست گرفتن قدرت سیاسی به وسیله امامان زیدیه در ایران و یمن همزمان بود. در این مقطع، قاسمیه، هادویه و ناصریه در امتداد

جریان نزدیک به امامیه، جریان های غالب و بارز زیدیه بودند که مرکزیت آن از کوفه به ایران و یمن انتقال یافته بود . (94)

1 . امام ناصر اطروش و دولت زیدیه در طبرستان و دیلم

در حالی که سال ها بود که کوفه و حجاز برای ادامه فعالیت علویان ناامن شده بود، امام حسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین (ع) (230-304) معروف به ناصر اطروش که مردی فقیه، عالم و شجاع بود، در سال 284 در خراسان قیام کرد (95) و پس از یک دوره اختفا به گیلان و دیلم رفت و در آن جا به مدت سیزده سال مردم را به تشیع دعوت کرد . (96) او سپس در سال 301 طبرستان را به قلمرو خود اضافه کرد . (97) پیش از این، در سال 250، حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن الحسن بن الحسن (ع) معروف به داعی کبیر در طبرستان قیام کرده و اولین حکومت علویان زیدی را در طبرستان پس از وفات داعی کبیر در سال 270، (99) برادرش محمد بن زید تا وفاتش در سال 287، (100) جانشین او بود و از آن پس فرزندان محمد تا ظهور و تاسیس دولت امام ناصر بر طبرستان حکم می راندند . امام ناصر اطروش در سال 304 درگذشت، (101) ولی دولت امامت زیدی در طبرستان که او بنیان نهاده بود (102) تا سال 316 (103) و به روایتی تا 355 (104) ادامه یافت .

افکار و آرای امام ناصر و کمک های مادی و معنوی او به دولت امام هادی (105) که همزمان دولت امامان زیدی را در یمن تاسیس کرده بود، (106) به خوبی تعلق او را به شاخه نزدیک به امامیه نشان می دهد . امام ناصر بیش از آن که تحت تاثیر مستقیم تعالیم امام قاسم و امام هادی باشد تحت تاثیر امامیه بود و در احکام طلاق و ارث و مسح پا در وضو، بر وفق مکتب امامیه فتوا می داد، تا آن جا که برخی او را اثنا عشری دانسته اند . (107)

روند نزدیکی زیدیه به امامیه در ایران بعد از امام ناصر نیز ادامه یافت، به طوری که در اوج اقتدار زیدیه در دیلم و طبرستان و در زمان تسلط آل بویه بر دارالخلافه بغداد، زیدیه بیش از هر زمان دیگری به امامیه نزدیک شد .

(108) در این مقطع، آنان قول به جواز امامت مفضول را کنار نهادند و درباره صحابه همچون امامیه قضاوت کردند . (109) ابن اثیر در حوادث سال 351 آورده که به امر معزالدوله دیلمی در مساجد بغداد لعن هر سه خلیفه به وصفشان و لعن معاویه صریحا مکتوب شد (110) و در سال 352 برای اولین بار روز عاشورا در مرکز خلافت اسلامی، بغداد، رسماً تعطیل اعلام و در خیابان ها عزاداری برپا شد (111) و مجالس جشن و شادی عید غدیر (112) و طعن خلفا مرسوم گشت، (113) سنتی که سالیان متمادی استمرار یافت . (114) همچنین مرقد امامان نیز در عراق آراسته و تزیین شد . (115)

2 . امام قاسم رسی

در سال 220، (116) امام قاسم بن ابراهیم الرسی (170-246) برادر امام محمد بن ابراهیم (ابن طباطبا) که از سرآمدان عصر خود و متکلم و فقیهی وارسته بود، دعوت به خویشتن کرد و علویان به شکلی فراگیر با او بیعت کردند، (117) که از آن به یا «البيعة الجامعة» (119) یاد شده است . هر چند دعوت او در آن مقطع با موفقیت زیادی همراه نبود و او سرانجام به حجاز رفت و در سال 246 در «رس» (120) بدرود حیات گفت، ولی او که شخصیتی ممتاز داشت، با طرح اندیشه های خود به تفکرات زیدیه بالندگی خاصی بخشید و با رشد زیدیه در دیلم و یمن، مکتب و تعالیم او پیروانی یافت که از آنان با نام قاسمیه یاد شده است . اندیشه و تعالیم امام قاسم در دیلم رقیب ناصریه به شمار می آمد و در یمن تا به امروز به عنوان تنها نماینده زیدیه و در قالب مکتب هادویه امتداد یافته است . (121) امام قاسم رسی اگرچه همچون امام هادی امامت را از اصول دین معرفی نکرد، ولی برای آن، نقش برجسته ای قائل شد (122) و در این زمینه دو رساله به نام های تثبیت الامامة (123) و الرد علی

الرافضة (124) را تالیف کرد . امام قاسم امامت را همچون نماز و روزه از فرائض دانست (125) که امري از جانب طرف خداوند است . لذا با رد شورايي يا موروئي بودن امامت، قائل به نص جلي برعلي (ع) و حصر آن در فرزندان فاطمه شد (126) و به ادله عقلي و نقلي (چون حديث ثقلين) بر اين امر استدلال کرد؛ (127) ضمن اين که دعوت علني و ترک تقيه گرچه با زبان را کافي دانست و شرط خروج با شمشير را حذف کرد، (128) چرخشي که نمي توان آن را با عدم تحرک و رکود خود امام قاسم از زمان اخذ بيعت تا وفات بي ارتباط دانست . (129)

امام قاسم رسي آغازگر دوره اي در تاريخ زيديه بود که مشخصه آن قول به نص جلي و اعتقاد ويژه به اصل امامت و درنتيجه قوت جريان نزديک به اماميه درميان فرق زيديه است .

3 . امام هادي

امام يحيي بن الحسين بن القاسم الرسي (245-298) معروف به امام هادي از برجسته ترين شخصيت هاي علوي در زمان خود بود . او در سال 280 پس از ورود به يمن به عنوان امام زيديه دعوت به خويش کرد و از مردم بيعت گرفت، (130) ولي اندکي بعد به دليل عدم استقبال مردم به حجاز بازگشت . (131) امام هادي مجددا در سال 284 ق براي دعوت مردم به يمن بازگشت و سلسله امامان زيدي را که امامان قاسمي نيز خوانده مي شوند، (132) پايه گذاري کرد . (133) اين سلسله تا بيش از ده قرن با فراز و نشيب هايي دوام يافت و حدود پنجاه امام در راس آن قرار گرفتند . (134) امام هادي صعه را مرکز فعاليت خود قرار داد که تا به امروز مرکز زيديه با همان گرايش است . البته اين تذکر ضروري است که امام هادي و جانشينان او تا قرن ها موفق نشدند بر تمام يمن مسلط شوند . دوران امامت آنان معمولا با کشمکش ها و درگيري با ساير حکومت ها و رقبان اعم از داخلي و خارجي همراه بود که در ادامه به طور گذرا به آن اشاره خواهد شد .

امام هادي با ارتقا بخشيدن به عقيدة امامت در حد يکي از اصول دين، آن را به جاي اصل «المنزلة بين المنزلتين» در مکتب اعتزال نشان داد و اصول پنج گانه مذهب زيدي را توحيد، عدل، وعد و وعيد، امامت و امر به معروف و نهی از منکر دانست (135) و براي احراز مقام امامت شروطي تکميلي قائل شد که تنها بر خود او منطبق بود، (136) مانند دعوت علني به خود، خروج با شمشير، عمل به کتاب و سنت، اعلم مردم زمان خود بودن، از فرزندان حسن و حسين بودن، (137) آمر به معروف و ناهي از منکر بودن، شجاعت، سخاوت، تقوي، تواضع و عدالت . (138) او براي بيعت مردم در امر امامت نقشي قائل نبود و اجماع را شرط مي دانست، چه اين که در نظر امام هادي امامت منصبي است که از جانب خداوند اعطا مي شود و خواست مردم در آن دخالت ندارد، هرچند تبعيت مردم شرط قيام امام است . از طرف ديگر، مردم مي توانند در صورت ارتکاب کبيره امام را از مقام خود عزل کنند؛ (139) اما در صورت عدم تبعيت مردم از امام جامع الشرايط، امامت امام به قوت خود باقي است و او بايد هجرت کند و کنار بنشيند . (140) نظريه اخير او توجيهي براي صلح امام حسن (ع) و کنار نشستن امام قاسم رسي نيز هست . با توجه به نظريه امام هادي در رد اجماع و شورا در مسئله امامت و همين طور اعتقاد به افضليت علي (ع) و وجود نص پيامبر بر آن حضرت و حتي بر حسن و حسين، (141) براي او خلافت شيخين ناپذيرفتني است . (142) امام هادي نيز کتابي دارد به نام تثبيت الامامة که در آن به بررسي مسئله خلافت و جانشيني پس از پيامبر پرداخته و بر رد خلافت شيخين و ادله مورد ادعاي آنان استدلال کرده است . (143) امام هادي در فقه نيز تابع اجتهاد خود بود و به روايات اهل سنت توجه و نظري نداشت و از او منقول است که دو کتابي که اهل سنت آنها را صحيح مي نامند (صحيح بخاري و صحيح مسلم)، از صحت بي بهره اند . (144) اين نگرش در طي قرون متمادی تاکنون در مذهب هادوي وجود داشته و بي اعتنايي به حديث و فقه اهل سنت

كاملا روشن است . (145) امام هادي همچنين اعتقاد به نص بر امامت علي و حسن و حسين را مورد تأكيد قرار داد و تقيه را جايز شمرد (146) و در مجموع، بيش از گذشته، زيديه را به اماميه نزديك كرد . (147)

مسيري كه امام هادي ترسيم کرده بود با نوساناتي در عرصه سياسي و مذهبي يمن ادامه يافت و پس از او دو فرزندش مرتضي (299-310) و ناصر (310-322) (148) و ديگر امامان زيديه ادامه دهندگان مكتب هادويه بودند، هرچند پيروان امام هادي خود به شاخه هايي تقسيم شدند كه مهم ترين آنها الحسينيه، المطرفيه و المخترعه است . (149)

4 . سلسله امامان زيديه در يمن

دولت امامان زيدي در يمن پس از امام هادي و دو فرزندش تا سال 444 كه امام ابوالفتح ديلمى به قتل رسيد استمرار داشت . از اين دوره، به نام دوره اول دولت زيديه ياد مي شود كه حكومت امامان زيديه غالبا در صعه و اطراف آن محصور مانده بود و دوره اضطراب و عدم استقرار سياسي بود . (150)

در سال 451، امام حمزه بن ابوهاشم (متوفاي 459) كه او نيز از نوادگان امام قاسم رسي بود، پس از يك توقف کوتاه مجدداً دولت امامت زيديه را در يمن احيا كرد، و از آن پس اماماني يكي پس از ديگري در يمن به امامت رسيدند، تا اين كه در سال 1006، امام متوكل عبدالله المهدي كه در سال 994 به امامت رسيده بود، به نفع امام قاسم بن محمد بن علي از منصب خود كناره گيري كرد . اين مقطع (452-1006) به نام دولت دوم زيديه ناميده شده است، كه همانند دوره اول با عدم استقرار و اضطرابات سياسي و تسلط عثماني ها همراه بود . (151)

دوره سوم و آخر حكومت امامان زيديه در يمن از امام قاسم بن محمد آغاز مي شود و به كودتاي 1962 و اعلام جمهوري پايان مي يابد . در زمان امامت امام قاسم بن محمد (1006-1029) دولت امامان زيدي يك بار ديگر اقتداري مضاعف يافت و او كه عالم و فقيهي برجسته نيز بود، (152) براي اولين بار امكان يافت تا بر همه يمن از جنوب تا شمال حكم براند . (153) همچنين در زمان امام متوكل اسماعيل (1054-1085) از نوادگان امام هادي، اين اقتدار گسترش بيشتري يافت و به اوج رسيد . (154) مورخان آورده اند كه امام متوكل در سال 1073 عيد غدير را روز جشن و سرور رسمي اعلام كرد و يك بار ديگر به اين مراسم در يمن رونق بخشيد . (155)

بالاخره، آخرين امامان زيدي كه از خانواده حميدالدين و از نسل امام قاسم رسي بودند، امامتشان با امام محمد بن يحيي حميدالدين «المنصور» در سال 1307 (1890م) آغاز شد . امام المنصور و پس از او فرزندش امام يحيي «المتوكل» كه در سال 1322 (1904م) به امامت رسيد، بر روال گذشته مشي كردند، (156) با اين تفاوت كه پس از استقلال دوم يمن از عثماني ها در سال 1919 و به دنبال سيطره كامل دولت زيدي بر يمن كه شايد براي اولين بار در اين حد اتفاق افتاده بود، (157) و همزمان با تحولات سريع جهان و منطقه، عرصه بر حكومت امامان زيدي تنگ شد . (158) امام يحيي بن المنصور هرچند كوشيد تا با يك رشته سياست ها، مثل ترور مخالفان، (159) «مملكت متوكليه يمنيه» (نامي كه بر يمن گذاشته بود) را محفوظ نگاه دارد (160) ولي در انقلاب 28 سپتامبر 1948 به قتل رسيد (161) و عبدالله بن احمد الوزير از آل وزير كه از سوي حزب احرار كانديداي مقام امامت بود، (162) با داعيه امامت مشروطه (امامت قانون اساسي) در انقلابي كه به انقلاب قانون و انقلاب علما ناميده شد، زمام امور را به دست گرفت . (163) انقلاب علما در همان سال با شكست مواجه شد و امام عبدالله و نخست وزيرش علي بن عبدالله اعدام شدند (164) و امام احمد بن يحيي «الناصر» فرزند امام يحيي دوباره بر مسند امامت تكيه زد . در 26 سپتامبر 1962م . و پس از درگذشت امام احمد طي يك كودتاي نظامي حكومت جمهوري اعلام شد (165) و فرزند امام احمد، امام محمد البدر آخرين امام زيديه بود كه هيچ گاه فرصت

حکومت بر یمن را پیدا نکرد .

به طور خلاصه، اصولی که در این دوره به عنوان معتقدات زیدیه طرح گردید و مورد قبول قرار گرفت عبارت اند از:

- 1 . افضلیت علی (ع) بر سایر صحابه؛ 2 . اولویت آن حضرت بر دیگران در امر امامت؛ 3 . حصر امامت پس از حسن (ع) و حسین (ع) در فرزندان آن دو؛ 4 . وجود نص بر امامت علی (ع) و حسنین (ع) و استحقاق امامت بعد از آنان با دعوت و تحقق سایر شرایط امامت نه با وراثت؛ 5 . عصمت اهل بیت شامل علی (ع)، فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع)؛ 6 . طعن صحابه و تخطئه آنان؛ 7 . گشودن باب اجتهاد؛ 8 . تجویز تقیه؛ (166) 9 . رواج فتاوای فقهی و سنت های مذهبی نزدیک به امامیه چون جمع بین نمازها، باز گذاشتن دست ها در نماز و آئین نگفتن پس از قرائت حمد، قصر نماز در سفر، برپایی مجالس و محافل جشن و سرور در روز غدیر، تقدیس آئمه و احترام و زیارت قبور آنان و . . .

در مجموع، گرایش این دوره که در هادویه متبلور است، تا بدان جا به مذهب امامیه نزدیک شد که بسیاری از اهل سنت آن را با امامیه یکی می دانند . (167) تنها تفاوت هادویه و امامیه در این ذکر می شود که امامیه بر خلاف هادویه عدد امامان را در دوازده تن معین محصور می داند . (168) در طول تاریخ نیز زیدیه هادوی احترام زیادی نسبت به امامیه داشته اند، به طوری که موجبات سرزنش جریان های رقیب را فراهم آورده است . (169) در پایان نکته قابل توجه آن که گرایش های قاسمیه، ناصریه و هادویه در این دوره به نحوی امتداد گرایش جارودیه در قرن دوم به شمار آمده است (170) که بر خلاف دو فرقه دیگر زیدیه در آن قرن به امامیه نزدیک تر بود . (171)

جریان نزدیک به اهل سنت در حاشیه

به موازات جریان نزدیک به امامیه، و به طور مشخص مذهب هادویه، جریان دیگری در زیدیه یمن به اهل سنت نزدیک می شود و به عنوان رقیب جریان غالب و قوی تر زیدیه و مذهب هادویه، آن را به چالش می کشاند .

1 . ابن المرتضی

در اواخر قرن هشتم، امام احمد بن یحیی المرتضی معروف به ابن مرتضی (763-840) از نوادگان امام هادی به سازماندهی مجدد تفکر زیدی به خصوص در مسئله امامت پرداخت . او ضمن تاکید بر افضلیت علی (ع) و وجود نص خفی و حصر امامت در اولاد فاطمه (س)، عمل صحابه و خلافت شیخین را از روی اجتهاد دانسته که موجب فسق آنان نمی شود و شاهد این مدعا را کمک علی (ع) به خلفا ذکر می کند . اگرچه نظرابن مرتضی در مورد خلافت شیخین تا حدودی با هادویه و امامیه یکی است، ولی به طور مشخص کوشیده است تا به نحوی رضایت اهل سنت را جلب کند و میان حقانیت و افضلیت علی (ع) و آنچه در تاریخ اتفاق افتاده است جمع کند . ابن مرتضی همچنین به تبیین دوباره شرایط امامت پرداخت و به ویژه با تهی کردن امر به معروف و نهی از منکر از محتوای سیاسی آن که به دست امام هادی تثبیت شده بود، گامی دیگر به سوی اهل سنت برداشت .

از امام ابن مرتضی دو اثر بزرگ در میراث زیدیه به یادگار مانده است که در آنها نظرات فقهی و اعتقادی خود را بیان کرده است: یکی الازهار فی فقه الائمة الاطهار و دیگری البحر الزخار که هر دو به چاپ رسیده است .

2 . ابن الوزير، ابن الامیر و شوکانی

محمد بن ابراهیم الوزير (775-840) معروف به ابن الوزير روند نزدیکی به اهل سنت را شتاب بخشید و آن را تقویت کرد، (172) تا آن جا که نویسنده متعصب مسأله التقرب در پوست خود نمی گنجد و از ابن الوزير نقل

می‌کند که مذهب زیدیان معتزلی که همان زیدیان حقیقی اند رضایت به صحابه است . (173) کتاب مشهور او که دربرگیرنده نظرات او است، العواصم و القواصم فی الذب عن سنة ابي القاسم نام دارد که در نه جلد به چاپ رسیده است .

محمد بن اسماعیل الامیر الصنعانی (1099-1182) معروف به ابن الامیر شخصیت دیگر این جریان است که همزمان با ظهور وهابیت آنان را تایید و نظراتی نزدیک به اهل سنت ارائه کرد و درگیری‌های او با عالمان زیدیه شدت گرفت . (174) با این همه، نکته مهم در تاریخ زندگی او بازگشت وی از این تفکر و به نوعی توبه اوست که مورد توجه و بحث معاصران زیدیه واقع شده است . ابن الامیر همچنین در رد اتهام ناصبی بودن خود کتابی نوشته است، به نام التحفة العلویة که به چاپ رسیده است .

دارای منصب قضاوت (176) و صاحب تالیفات و کتب مشهوری همچون نیل الاوطار و السیل الجرار (177) آخرین شخصیت برجسته این جریان است . او نیز کتاب مشهورش العقد الثمین فی اثبات وصیة امیرالمؤمنین را در رد اتهام عدم التزام به مبانی زیدیه و تشیع نوشته است .

روشنفکران یمن از سه نام برده اخیر به عنوان سرمداران حرکت نوگرایی و نماد اصلاح طلبی از درون زیدیه نام می‌برند، که به موازات مصلحان خارجی چون سید جمال و . . . در تحول و تحرک جامعه معاصر یمن نقش داشته اند . (178)

به طور خلاصه، اهم اعتقادات و نقاط مورد تاکید این جریان که به تدریج و در طول چندین قرن شکل گرفته است و امروز نیز با تحولاتی که بررسی آن مجالی دیگر می‌طلبد، در میان زیدیه بیش از گذشته به فعالیت خود ادامه می‌دهد و پیروانی دارد، عبارت است از:

- 1 . عدم حصر امامت در اولاد فاطمه (س) و اکتفا به حصر آن در قریش; (179) 2 . عدم اشتراط اکملیت و افضلیت در امام و کفایت وجود اجتهاد; (180) 3 . عدم جواز خروج و شورش مادامی که کفر آشکار و ترک واجبی چون نماز از حاکمان دیده نشود; (181) 4 . استفاده‌های فقهی نزدیک به مشرب اهل سنت و از منابع آنان . (182) نزدیکی این جریان به اهل سنت نیز تا بدان پایه است که برخی معتقدند آنان دیگر زیدی محسوب نمی‌شوند و از اهل سنت به حساب می‌آیند . (183)

کتاب نامه

- 1 . ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابوالکرم الشیبانی: الكامل فی التاریخ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1408 ق/1983 م .
- 2 . ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد: مقدمه، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت .
- 3 . ابن عساکر، الحافظ ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله بن عبدالله الشافعی: تاریخ مدینة دمشق (80جلد)، دارالفکر، بیروت، 1416ق/1996 م .
- 4 . ابن مرتضی، امام احمد بن یحیی: البحر الزخار (6جلد)، دارالحکمة الیمانیة، صنعاء، چاپ دوم، 1409ق/1988 م .
- 5 . ابوزهره، محمد: الامام زید حیاتة و عصره، آراؤه و فقه، دارالندوة الجدیة، بیروت، 1973 م .
- 6 . اسماعیل، محمود: الادارسة، حقائق جدیدة، مکتبة مدبولی، قاهرة، 1411ق/1991 م .
- 7 . اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل: مقالات الاسلامیین، تصحیح هلموت ریتز، جمعیة المستشرقین

الالمانية، چاپ سوم، 1400ق/1980م .

- 8 . اطروش، ناصر الحق حسن بن علي: البساط، مكتبة التراث الاسلامي، صعدة، 1418ق/1997م .
- 9 . افندي الاصبهاني، ميرزا عبدالله: رياض العلماء وحياض الفضلاء (6 جلد)، مطبعة الخيام، قم، 1401ق .
- 10 . اكوع، قاضي اسماعيل بن علي: الزيدية نشاتها و معتقداتها، دارالفكر، دمشق، چاپ سوم، 1418ق/1997م .
- 11 . امين، السيد محسن: اعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، 1403ق/1983م .
- 12 . حاتم، نوري: زيد بن علي و مشروعية الثورة عند اهل البيت، الغدير للدراسات والنشر، بيروت، چاپ دوم، 1416ق/1995م .
- 13 . حداد، محمد يحيي: تاريخ اليمن السياسي، دارالتنوير، بيروت، چاپ چهارم، 1407ق/1986م .
- 14 . حسني، امام يحيي بن الحسين بن هارون: الافادة في تاريخ ائمه الزيدية، تحقيق محمد يحيي سالم عزان، دارالحكمة اليمانية، صنعاء، 1417ق/1996م .
- 15 . خضيرى احمد، حسن: قيام الدولة الزيدية في اليمن (284-298)، مكتبة مدبولي، القاهرة، 1996م .
- 16 . دفترى، فرهاد: تاريخ و عقايد اسماعيليه، ترجمه فريدون بدره اي، نشر فروزان، تهران، چاپ دوم، 1376ش .
- 17 . رازي، احمد بن سهل: اخبار فخ، دارالقرب الاسلامي، بيروت، 1995م .
- 18 . زيد، علي محمد، معتزلة اليمن «دولة الهادي وفكره» ، دارالعودة، بيروت، 1981م .
- 19 . زين، محمد حسين: الشيعة في التاريخ، مطبعة العرفان، صيدا، چاپ دوم، 1357ق/1938م .
- 20 . سماوي، امام محمد بن صالح بن هارون: الغطمطم الزخار (6 جلد)، تحقيق محمد يحيي سالم عزان، مطابع الشركة الموارد الصناعية الاردنية، عمان، 1415ق/1994م .
- 21 . شهرستاني، ابوالفتح محمد بن عبدالكريم بن ابوبكر احمد: الملل والنحل، دار صعب، بيروت، 1406ق/1986م .
- 22 . شيخ مفيد: اوائل المقالات، المؤتمر العالمي للافية الشيخ المفيد، مصنفات الشيخ المفيد، جلد چهارم، 1413.
- 23 . صبحي، احمد محمود: الزيدية، دارالنهضة العربية، بيروت، چاپ سوم، 1411ق/1991م .
- 24 . طبري، ابوجعفر محمد بن جرير: تاريخ الامم والملوك (تاريخ الطبري) (8 جلد)، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، چاپ چهارم، 1403ق/1983م .
- 25 . عبدالقاهر البغدادي: الفرق بين الفرق، المكتبة العصرية، بيروت، 1419ق/1998م .
- 26 . علي، صادق عبده: الحركات السياسية والاجتماعية في اليمن (1918-1967)، دارالفكر، دمشق، چاپ دوم، 1407ق/1987م .
- 27 . عمرجي، احمد شوقي ابراهيم: الحياة السياسية والفكرية للزيدية في المشرق الاسلامي (365-132)، مكتبة مدبولي، القاهرة، 2000م .
- 28 . غليس، اشواق احمد مهدي: التجديد في فكر الامامة عند الزيدية، مكتبة مدبولي، القاهرة، 1417ق/1997م .
- 29 . قفاري، ناصر بن عبدالله بن علي: مسالة التقريب بين اهل السنة والشيعة (2جلد)، دارطبية، رياض، چاپ پنجم، 1418ق .
- 30 . لين بل، استانل و ديگران: تاريخ دولت هاي اسلامي و خاندان هاي حكومتگر، ترجمه صادق سجادي، نشر تاريخ ايران، 1363ش .

- 31 . مادلونگ، ویلفرد (تحقیق) : اخبار ائمة الزيدية في طبرستان و ديلمان و جيلان، المعهد الالمانى للابحاث الشرقية، بيروت، 1987م .
- 32 . ماکرو، اريک: اليمن والغرب (1571-1962)، ترجمه حسين بن عبدالله العمري، دارالفکر، دمشق، چاپ دوم، 1407ق/1987م .
- 33 . مسعودي، ابوالحسن علي بن الحسين بن علي: مروج الذهب و معادن الجوهر (4جلد)، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، 1411ق/1991م .
- 34 . مؤيدي، مجدالدين بن محمد بن منصور: التحف في شرح الزلف، مكتبة بدر، صنعاء، چاپ سوم، 1417ق/1997م .
- 35 . نوبختي، حسن بن موسي: فرق الشيعة، دارالاضواء، بيروت، چاپ دوم، 1404ق/1984م .
- 36 . نومسوک، عبدالله: منهج الامام الشوکاني في العقيدة (2 جلد)، مؤسسة الرسالة، بيروت، چاپ دوم، 1414ق/1994م .
- 37 . يمني، ابومحمد: عقائد الثلاث والسبعين فرقة (2 جلد)، مكتبة العلوم والحكمة، المدينة المنورة، 1414ق .

 پي نوشت ها :

- (1) فرق الشيعة، ص 55؛ مروج الذهب، ج 3، ص 231؛ مقالات الاسلاميين، ج 1، ص 65 .
- (2) اوائل المقالات، ص 39 .
- (3) البحر الزخار، ج 1، ص 40 .
- (4) الافادة، ص 61 .
- (5) الحياة السياسية، ص 39 .
- (6) مروج الذهب، ج 3، ص 228؛ الكامل، ج 3، ص 380؛ تاريخ الطبري، ج 5، ص 497 .
- (7) به عنوان نمونه: محمد ابوزهره، الامام زيد؛ ناجي حسن، ثورة زيد بن علي؛ شريف صالح احمد الخطيب، الامام زيد بن علي المفترى عليه؛ حسن الامين، زيد الشهيد؛ ابراهيم بن علي الوزير، زيد بن علي جهاد حق دائم؛ علي محمد دخيل، زيد بن الامام علي بن الحسين؛ الشيخ نوري حاتم، زيد بن علي؛ سيد محسن امين، ابوالحسن زيد الشهيد؛ عبدالرزاق الموسوي المكرم، زيد الشهيد؛ محمد محمدي اشتهازي، زيد شهيد انتقامگر؛ حسين كريميان، سيره و قيام زيد بن علي .
- (8) التجديد، ص 36 .
- (9) برخي از محققان تاکيد بر افضليت علي (ع) در امر خلافت و در عين حال تجويز تقدم مفضول و در نتیجه پذيرش خلافت شيخين را که به امام زيد منسوب است، از جمله همين تاکتيک ها دانسته اند که زيد به وسيله آن، سعي در جمع کردن همه نيروها اعم از شيعيان و سني مذهبان معتزلي و غير معتزلي داشته است .
- (10) زيد بن علي و مشروعية الثورة، ص 197-198 .
- (11) زيديه در مسئله امامت تنها چند اختلاف با اماميه دارند که عمدتاً در برخي از مقاطع تاريخ و در بعضي از گرايش ها ديده مي شود . مهم ترين آنها عبارت اند از: تجويز امامت مفضول و رضائيت به خلافت شيخين، اشتراط خروج و کشيدن شمشير براي امامت امام و رد تقيه، عدم اعتقاد به عصمت امامان، عدم اعتقاد به حصر

امامان در دوازده تن معین و نیز به لزوم وجود نص بر همه امامان . البته همان گونه که در ادامه نوشتار بررسی شده، این اختلافات تا حدود زیادی هم در عقیده و هم در عمل از میان رفته است .

12) بغدادی امامیه و زیدیه را در آغاز یکی می داند که تنها در امامت امام زید و بیعت با او در خروج بر ضد امویان اختلاف نظر دارند . (الفرق بین الفرق، ص 25 .)

«و كانت الامامية و الزيدية في بدء امرهما حزبا واحدا ثم اختلفا و السبب في اختلافهما لم يكن اصلا من اصول الدين و انما كان حول الامامة » (الحياة السياسية، ص 24 و 228 .)

13) فرهاد دفتری تأکید می کند که بر اساس آخرین تحقیقات، شیعیان اولیه در قرن دوم اعم از زیدی و امامی سازگاری چندانی با معتزله نداشته اند و این تنها در اواخر قرن سوم بوده است که تحت تأثیر معتزله قرار گرفته اند (تاریخ و عقاید، ص 85-84 .)

14) الملل و النحل، ج 1، ص 162 .

15) الحياة السياسية، ص 219 .

16) الغطمطم الزخار، ج 1، ص 27 .

17) الحياة السياسية، ص 215 .

18) الملل و النحل، ج 1، ص 162 .

19) التجديد، ص 58 .

20) الملل و النحل، ج 1، ص 155؛ مقالات الاسلاميين، ج 1، ص 129؛ البحر الزخار، ج 1، ص 40؛ الامام زید، ص 189؛ الزيدية نشاتها و معتقداتها، ص 16؛ و نقل اجماع زیدیه بر این اصل از شرح رسالة الحور العين، ص 154 .

21) الملل و النحل، ج 1، ص 155؛ مقدمه ابن خلدون، ص 197 .

گرچه به نظر می رسد در این اصل، نفی و عدم ضرورت عصمت امامان نهفته است، ولی زیدیه تصریح کرده اند که «پنج تن» از مقام عصمت برخوردارند . امام زید بن علی در روایتی می فرماید: «المعصومون منا خمسة، النبي و علي و فاطمه و الحسن و الحسين» تاریخ دمشق، ج 19، ص 464 .

22) البحر الزخار، ج 1، ص 40؛ مقدمه ابن خلدون، ص 197؛ قیام الدولة، ص 30؛ الزيدية، ص 72؛ الامام زید، ص 190 .

23) التجديد، ص 56 .

24) برخی محققان تصریح کرده اند که این عقیده بعد از امام زید پدید آمده است (تاریخ و عقاید، ص 85 .)

25) الملل و النحل، ج 1، ص 156؛ البحر الزخار، ج 1، ص 40؛ مقدمه ابن خلدون، ص 198 . این جمله از امام

زید منقول و مشهور است که: «آن کس که شمشیر خود برهنه کرد و به کتاب خداوند و سنت پیامبرش دعوت کرد و حکم او نافذ بود و مردم او را به این مقام شناختند، امامی است که همه باید به او شناخت پیدا کنند؛ ولی بنده ای که در خانه نشسته و بر روی خود پرده افکنده و در بر روی خود بسته و به حکم ظالمان تن داده؛ و نه امر به معروف می کند و نه نهی از منکر، کجا و کی می تواند امامی واجب الاطاعه باشد؟» (الزيدية نشاتها و معتقداتها، ص 16 .)

26) مروج الذهب، ج 3، ص 236؛ الكامل، ج 3، ص 398؛ الافادة، ص 71 . قبر امام یحیی بن زید هم اکنون در میامی (جوزجان) از توابع شهرستان مشهد زیارتگاه شیعیان است .

27) تاریخ الطبري، ج 6، ص 78؛ الكامل، ج 3، ص 487 .

- (28) الادراسه، ص 27 . ابن اثیر نیز در حوادث سال 144 و در بیان ریشه های قیام محمد به بیعتی اشاره می کند که در زمان امویان با محمد بن عبدالله بر سر خلافت شده بود (الکامل، ج 3، ص 554).
- (29) الادراسه، ص 27 .
- (30) الکامل، ج 3، ص 559 .
- (31) التحف، ص 81 .
- (32) مروج الذهب، ج 3، ص 326؛ الادراسه، ص 48 . در سایر منابع همچون الکامل، مهاجرت و دعوت یحیی و ادريس در دیلم و مغرب تنها بعد از قیام و شهادت امام حسین فخی ذکر شده است (الکامل، ج 4، ص 13).
- (33) مروج الذهب، ج 3، ص 324؛ الکامل، ج 3، ص 563؛ الافاده، ص 79 .
- (34) الادراسه، ص 29 .
- (35) الکامل، ج 3، ص 587؛ الافاده، ص 81-91 .
- (36) در این دوره عیسی بن زید و علی بن العباس بن الحسن بن الحسن (ع) رهبری زیدیه را برعهده گرفته بودند . ولی عیسی پس از چندی از سیاست کناره گیری کرد و علی بن العباس زندانی شد و در نهایت توسط مهدی عباسی مسموم شد و به شهادت رسید .
- (37) الافاده، ص 92-96؛ الکامل، ج 4، ص 11؛ تاریخ الطبری، ج 6، ص 410 .
- (38) تاریخ الطبری، ج 6، ص 411 .
- (39) اخبار فخر، ص 303-305 .
- (40) ابن اثیر ورود امام یحیی و آغاز دعوت و تحرکات او را در دیلم در وقایع سال 175 آورده است «رک: الکامل، ج 4، ص 31» .
- (41) الافاده، ص 97-107؛ الکامل، ج 4، ص 33 .
- (42) تاریخ الطبری، ج 6، ص 416؛ الکامل، ج 4، ص 13؛ الادراسه ص 55 .
- (43) مروج الذهب، ج 3، ص 326 .
- (44) الادراسه، ص 48 .
- (45) سیدمحسن امین نیز دولت ادیسیان را در مغرب، دومین دولت علوی پس از دولت امیر مومنان علی (ع) دانسته است (اعیان الشیعة، ج 5، ص 81).
- (46) التحف، ص 140؛ تاریخ دولت های اسلامی، ج 1، ص 44 . در اخبار فخر مدت اقامت و حکومت ادريس بن عبدالله در مغرب ده سال ذکر شده است (ص 327).
- (47) الکامل، ج 4، ص 13 .
- (48) همان، ج 4، ص 32 . سیدمحسن امین آورده است که در زمان مرگ ادريس بن عبدالله هنوز ادريس دوم به دنیا نیامده بود و مادرش به او باردار بود . (اعیان الشیعة، ج 5، ص 81).
- (49) ابن اثیر در حوادث سال 181 آورده است که «به ابن اغلب خبر رسید که ادريس بن ادريس پیروان بسیاری یافته است . . .» (الکامل، ج 4، ص 53) این نقل با توجه به روایت ولادت ادريس بن ادريس در سال 175 به وسیله خود ابن اثیر (الکامل، ج 4، ص 32) جالب توجه است .
- (50) التحف وفات ادريس بن ادريس را 210 ذکر می کند (ص 143)؛ و احمد محمود صبحی سال 187 را سال وفات او دانسته است (الزیدیه، ص 92). اخبار فخر مدت ریاست او را 21 سال می داند . (ص 328)

- (51) الكامل، ج 4، ص 218 . در اخبار فخر، ادریس بن ادریس بن ادریس به عنوان سومین حاکم اداره ذکر شده است (ص 328).
- (52) الادارسة، ص 83 . در کتاب تاریخ دولت های اسلامی تعداد حاکمان ادریسی چهارده تن و سال 346 آخرین سال حکومت ادریسیان ذکر شده است؛ در این سال، آخرین حاکم ادریسی اسیر و به قرطبه منتقل شد و اداره منقرض گردیدند (ج 1، ص 44). احمد محمود صبحی، سال 323 را سال انتهای حکومت ادریسیان ذکر می کند (الزیدية، ص 93). جالب آن که سیدمحسن امین مدت حکومت ادریسیان را هفتاد سال و حاکمان آن را هجده نفر ذکر کرده است (اعیان الشیعة، ج 5، ص 81).
- (53) الكامل، ج 4، ص 14.
- (54) همان، ج 5، ص 617.
- (55) همان، ص 633؛ اعیان الشیعة، ج 5، ص 81.
- (56) الادارسة، ص 58.
- (57) همان، ص 23.
- (58) در التحف، لقب وی ابوالقاسم محمد بن ابراهیم ذکر شده است (ص 144).
- (59) اگرچه در قرن دوم و پس از آن در قرن سوم علویان زیادی خروج کرده و در بیشتر موارد مورد حمایت زیدیه هم واقع شده اند (که پرداختن به همه آنها در این مجال مقدور و ضروری نیست)، ولی این به معنای قبول همه آنان به عنوان امام نیست؛ چرا که در مذهب زیدیه علاوه بر خروج شرایط دیگری نیز برای امامت در نظر گرفته شده است.
- (60) الكامل، ج 4، ص 147؛ الافادة، ص 108-113.
- (61) سید محسن امین حکومت آل طباطبا را پس از حکومت امام علی (ع) و حکومت ادریسیان، سومین حکومت علویان می داند. (اعیان الشیعة، ج 5، ص 81).
- (62) الكامل، ج 4، ص 149.
- (63) تاریخ الطبری، ج 7، ص 123.
- (64) همان، ص 168.
- (65) فرق اولیه زیدیه مختلف و متعدد ذکر شده است: مسعودی از هشت فرقه نام می برد (مروج الذهب، ج 3، ص 232). ابوالحسن اشعری و ابو محمد یمینی به شش فرقه اشاره می کنند (مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 66؛ عقائد الثلاث و السبعین فرقة، ج 1، ص 452)؛ شهرستانی و بغدادی به سه فرقه مذکور در متن اکتفا کرده اند (الملل والنحل، ج 1، ص 157-162؛ الفرق بین الفرق، ص 22). در مقدمه البحر الزخار تنها از دو فرقه نام برده شده است (البحر الزخار ج 1، ص 40). برای اطلاع بیشتر رک: الحیاة السیاسیة، ص 82-83.
- (66) الزیدية، ص 84؛ الحیاة السیاسیة، ص 84.
- (67) البحر الزخار، ج 1، ص 40.
- (68) مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 67.
- (69) الملل و النحل ج 1، ص 158؛ مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 66؛ الفرق بین الفرق، ص 30؛ فرق الشیعة، ص 21؛ اوائل المقالات، ص 40؛ البحر الزخار، ج 1، ص 40.
- (70) مروج الذهب، ج 3، ص 232؛ البحر الزخار، ج 1، ص 40.

- (71) بین اعتقاد جارودیه و امامیه به مهدی موعود تفاوت هایی وجود دارد، چه این که برخی از آنان مهدی موعود را امام محمد بن عبدالله (نفس زکیه) دانسته، معتقد بودند او به شهادت نرسیده است، و برخی دیگر محمد بن قاسم (پسر عمر بن علی بن الحسین (ع) که در سال 219 در طالقان قیام کرد) و دسته سوم یحیی بن عمر (پسر یحیی بن الحسین بن زید بن علی بن الحسین (ع) که در سال 250 در کوفه قیام کرد) را مهدی می پنداشتند (مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 67؛ الفرق بین الفرق، ص 31؛ الزیدیه، ص 84؛ الحیاة السیاسیة، ص 86؛ الزیدیه نشأتها و معتقداتھا، ص 26). در مقدمه البحر الزخار آمده است: «و ینسب الی بعضهم (الجارودیة) القول بالغیبة و لیس بصحیح» (البحر الزخار، ج 1، ص 40).
- (72) التجدید، ص 51.
- (73) فرق الشیعة، ص 21؛ الفرق بین الفرق، ص 34.
- (74) الزیدیه، ص 85.
- (75) فرق الشیعة، ص 54.
- (76) الفرق بین الفرق، ص 34. مؤلف الحیاة السیاسیة ظاهراً دچار اشتباه شده و عقیده تکفیر خوارج را به نقل از الفرق بین الفرق به جای جارودیه در مورد سلیمانیه ذکر می کند (الحیاة السیاسیة، ص 91).
- (77) الزیدیه، ص 82.
- (78) الفرق بین الفرق، ص 32-33؛ الزیدیه، ص 82.
- (79) الملل و النحل، ج 1، ص 159.
- (80) فرق الشیعة، ص 9.
- (81) مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 68؛ الفرق بین الفرق، ص 33.
- (82) الملل و النحل، ج 1، ص 160؛ فرق الشیعة، ص 9.
- (83) الفرق بین الفرق، ص 33.
- (84) فرق الشیعة، ص 64؛ الملل و النحل، ج 1، ص 160.
- (85) البحر الزخار، ج 1، ص 40؛ الحیاة السیاسیة، ص 88.
- (86) فرق الشیعة، ص 20؛ الملل و النحل، ج 1، ص 161؛ مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 69.
- (87) مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 69.
- (88) البحر الزخار، ج 1، ص 40.
- (89) الملل و النحل، ج 1، ص 161؛ مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 69؛ الفرق بین الفرق، ص 33. ولی نوبختی در مورد بتریه می گوید: آنان عثمان و طلحه و زبیر را تنقیص می کنند (فرق الشیعة، ص 57).
- (90) فرق الشیعة، ص 57.
- (91) همان؛ الحیاة السیاسیة، ص 87.
- (92) الزیدیه، ص 80-86؛ التجدید، ص 59.
- (93) الفرق بین الفرق، ص 34.
- (94) در مقدمه البحر الزخار، زیدیه در دوره متاخر تنها به دو گروه قاسمیه و ناصریه تقسیم شده اند (البحر الزخار، ج 1، ص 40).
- (95) التحف، ص 184.

- (96) الملل و النحل، ج 1، ص 156؛ الكامل، ج 5، ص 44 .
- (97) تاريخ الطبري، ج 10، ص 149؛ الكامل، ج 5، ص 44؛ مروج الذهب، ج 4، ص 327 و 394؛ مقدمه ابن خلدون، ص 200 .
- (98) الكامل، ج 4، ص 364 .
- (99) همان، ص 536 .
- (100) همان، ص 595 .
- (101) همان، ج 5، ص 58؛ الافادة، ص 167 .
- (102) زیدیه حسن بن زید (داعی کبیر) و محمد بن زید را به دلیل دارا نبودن شرایط امامت (علم، زهد و سیاست) در حد امامت ندانسته اند و گویا خود آنها نیز چنین ادعایی نداشته اند (قیام دولة الزیدیه، ص 54؛ معتزلة الیمن، ص 57) .
- (103) الكامل، ج 5، ص 58 و 106 . تا این سال فرزندان ناصر و پس از آنان قاسم بن الحسن بر طبرستان حکومت کرد و در این سال، قاسم را اسفار کشت و بر طبرستان تسلط یافت . هرچند علویان بعد از این هم به طور پراکنده در گوشه و کنار طبرستان ظهور کرده، حکومت هایی تشکیل دادند، ولی دولت متمرکز زیدیه در آن سامان ادامه نیافت، تا این که در سال 321 آل بویه که خاستگاهی زیدی داشتند، قدرت را در مراکز عمده جهان اسلام در دست گرفتند .
- (104) الحياة السياسية، ص 141 .
- (105) اخبار ائمة الزیدیه، ص 89؛ التجدید، ص 63 .
- (106) در گزارش مادلونگ، ظهور امام ناصر 287 و هفت سال پس از ظهور امام هادی در یمن یعنی 280 ذکر شده است (اخبار ائمة الزیدیه، ص 88) .
- (107) ریاض العلماء، ج 1، ص 277؛ اعیان الشیعة، ج 5، ص 181 . نویسنده ریاض آورده: «و الناصر الکبیر من عظماء علماء الامامية . و ان کان الزیدیه یعتقدونه و یدرجونه فی جملة ائمتهم . . .» .
- (108) الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 29 .
- (109) الملل و النحل، ج 1، ص 156 .
- (110) لعن الله معاوية بن ابي سفيان و لعن من غصب فاطمة فدكا و من منع من ان يدفن الحسن عند قبر جده و من نفي اباذر الغفاري و من اخرج العباس من الشوري . . .» البته این نوشته به زودی به لعن ظالمان آل رسول و بدون نام بردن کسی جز معاویه تغییر کرد (الكامل، ج 5، ص 327) .
- (111) الكامل، ج 5، ص 331 .
- (112) ابن اثیر در حوادث سال 357 آورده که در این سال اهالی بغداد به روال عادت گذشته به عزاداری در عاشورا و شادی در روز غدیر پرداختند . (الكامل، ج 5، ص 356) .
- (113) الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 29؛ الحياة السياسية، ص 155 .
- (114) در وقایع سال 358 به ادامه اقامه مراسم عاشورا در بغداد و همچنین در سال 389 به ادامه این مراسم و مراسم روز عید غدیر اشاره شده است (الكامل، ج 5، ص 365 و 540) .
- (115) تاریخ و عقاید، ص 216 .
- (116) دکتر صبحی سال دعوت امام قاسم را 199 و پس از وفات ابن طباطبا ذکر می کند (الزیدیه، ص 94) .

(117) الافادة، ص 123 .

(118) الحياة السياسية، ص 93 .

(119) التجديد، ص 68 .

(120) منطقه اي در نزديكي ميقات ذي الحليفة در مدينه (الافادة، ص 127 .)

(121) الحياة السياسية، ص 93 .

(122) معتزلة اليمن، ص 37 .

(123) كتابي به همين نام براي شخص امام زيد نيز نقل شده است . همچنين از امام ناصر اطروش نيز رساله اي به همين نام چاپ شده است . رك: مجله تراثنا، شماره 20 (سال پنجم رجب 1410 .)

(124) اين رساله در رد نظرات اسماعيليه نوشته شده است (مقدمه امام حنفي عبدالله بر الرد علي الرافضة، ص 81 .)

(125) التجديد، ص 65 .

(126) معتزلة اليمن، ص 37 .

(127) التجديد، 65- 67 .

(128) همان، ص 68 .

(129) معتزلة اليمن، ص 38 .

(130) الافادة، ص 136 .

(131) معتزلة اليمن، ص 59 .

(132) زيرا همگي از نسل امام قاسم رسي هستند .

(133) الامام زيد، ص 510؛ الحياة السياسية، ص 178- 179؛ التحف، ص 171 .

(134) براي اطلاع بيشتر ر . ك: الزيدية، ص 463- 473؛ التجديد، ص 211 .

(135) معتزلة اليمن، ص 157؛ الزيدية نشاتها ومعتقداتها، ص 68 .

(136) التجديد، ص 80 .

(137) معتزلة اليمن ص 182 .

(138) الزيدية نشاتها و معتقداتها، ص 68؛ التجديد، ص 79- 80 .

(139) الزيدية، ص 123 .

(140) همان؛ التجديد، ص 81- 83 .

(141) امام هادي نص پيامبر بر علي (ع) را (همانند امام قاسم) نص جلي و بر حسن و حسين (ع) بدون آن كه تصريح كند نص خفي (الحسن و الحسين سيدا شباب اهل الجنة؛ الحسن و الحسين امامان قاما او قعدا و) . . .

مي داند (معتزلة اليمن، ص 186 .)

(142) التجديد، ص 80 .

(143) امام هادي صاحب تاليفات بسياري است كه حدود بيست كتاب و رساله از او به دست ما رسيده است (معتزلة اليمن، ص 193 .)

(144) الزيدية نشاتها و معتقداتها، ص 33 .

(145) احمد بن سعدالدين المسوري (متوفاي 1079ق) در رساله المنقذة آورده: «آنچه در (صاح سته) آمده،

- همگی دروغ و غیرقابل استدلال است ». (الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 33 .)
- (146) الحیاة السياسية، ص 94 .
- (147) الزیدیه، ص 120؛ قیام الدولة، ص 137 .
- (148) وفات امام ناصر پس از 23 سال امامت در سال 325 نیز ذکر شده است (التحف، ص 197 .)
- (149) برای اطلاع بیشتر رک: الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 75-83 .
- (150) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 17؛ التجدید، ص 143 .
- (151) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 202؛ التجدید، ص 143 .
- (152) امام قاسم بن محمد بن علی تالیفی پر بار و مشهور دارد به نام الاعتصام بحبل الله المتین، که در 5 جلد به چاپ رسیده است .
- (153) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 202 . تا پیش از این دولت امامت زیدیه عمدتاً محصور در شمال یمن بود (التجدید، ص 143 .)
- (154) التجدید، ص 143 .
- (155) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 217 .
- (156) کتاب تاریخ الیمن (فرجة الهموم) همزمان با امامت امام یحیی نوشته شده و به بررسی تاریخ یمن تا سال پایان امامت امام یحیی و به ویژه دوران امامت او پرداخته است .
- (157) الیمن و الغرب، ص 13 .
- (158) دلائل متعددی برای بحران منتهی به انقلاب ذکر شده است؛ از آن جمله وراثتی شدن مناصب و تقسیم آن در میان فرزندان و بستگان امام و خفقان سیاسی و ممنوعیت احزاب و . . . رک: الحركات السياسية، ص 103 .)
- (159) همان .
- (160) رک: التجدید، ص 145 .
- (161) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 271؛ الحركات السياسية، ص 103 .
- (162) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 372 .
- (163) جزئیات و تفصیل انقلاب 1948 یمن دیده شود در: الیمن والغرب، ص 161 . همچنین فصل سوم الحركات السياسية، ص 101-123 .
- (164) دلائل شکست قیام را ببینید در: الحركات السياسية، ص 118 .
- (165) تاریخ الیمن السياسي، ج 2، ص 273 . تفصیل بیشتر در فصل پنجم الحركات السياسية، ص 201-263 .
- (166) الحیاة السياسية، ص 94 . و روایت «التقية دینی و دین ابائی» توسط امام ناصر اطروش در کتاب البساط، ص 69 .
- (167) الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 48 .
- (168) همان، ص 50 . محمد حسین الزین می نویسد: «عموم زیدیه هیچ فرقی با اثناعشریه ندارند، جز این که آنان به خروج با شمشیر معتقدند» (الشیعة فی التاريخ، ص 56 .)
- (169) رک: نقل قول از مقبلی در الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 49 .
- (170) مسألة التقريب نقل می کند که در یمن از میان فرق زیدیه غیر از جارودیه فرقه دیگری وجود ندارد و آنها در صنعا و صعده و اطراف آنها زندگی می کنند (ج 1، ص 56 .)

- (171) جالب آن که به دلیل سیطره جریان نزدیک به امامیه در تاریخ زیدیه، ابومحمد یمنی که در قرن ششم می زیسته، در کتاب خود می گوید: «زیدیه امامت ابوبکر و عمر و عثمان را رد و عایشه را تنقیص می کنند، و این عقیده همه زیدیه است، و ویژگی جارودیه این است که ذبیحه اهل کتاب را حلال نمی دانند» (عقائد الثلاث و السبعین فرقة، ج 1، ص 452-453).
- (172) التجدید، ص 123.
- (173) مسالة التقريب، ج 1، ص 160.
- (174) الزیدیه، ص 396-411؛ برای اطلاع از تفصیل درگیری ابن الامیر با علمای هادوی رک: الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 40.
- (175) الزیدیه، ص 425.
- (176) الغطمطم الزخار، ج 1، ص 63.
- (177) کتاب الغطمطم الزخار در رد شوکانی و به طور مشخص کتاب السیل الجرار و عقاید و فتاوی او بر خلاف مکتب هادوی و مذهب زیدی نوشته شده است. این نقد با اعتراض نویسندگان به شوکانی در درج صحابه در صلوات بر پیامبر آغاز شده است.
- (178) معتزلة الیمن، ص 11.
- (179) منهج، ج 1، ص 123.
- (180) التجدید، ص 128.
- (181) منهج، ج 1، ص 123، به نقل از السیل الجرار ونیل الاوطار؛ التجدید، ص 132.
- (182) چون ضم دست ها در نماز و آمین گفتن پس از قرائت حمد. در این خصوص و دیگر مجادلات و نزاع های دو جریان مراجعه شود به نامه های متبادل منقول در الزیدیه نشاتها و معتقداتها، ص 41-46.
- (183) همان، ص 50.